



فهرست مطالب

آیین‌شناسی تربیت اجتماعی

اجتماعی‌گرایی، مانع اجتماعی شدن است!

«چگونه اجتماعی نشویم!»

دکتر عبدالعظیم کریمی

۱۱۱

۱۱۲

۱۱۳

سرشناسه	کریمی، عبدالعظیم، ۱۳۳۵ -
عنوان و نام پدیدآور	آسیب‌شناسی تربیت اجتماعی: اجتماعی کردن، مانع اجتماعی شدن است! / عبدالعظیم کریمی.
مشخصات نشر: تهران	موسسه فرهنگی مدرسه برهان (انتشارات مدرسه)، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	۱۸۴ ص.
شلیک	۵-۱۵۱۷-۰۸-۹۶۴-۹۷۸:
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
موضوع	اخلاق اجتماعی
موضوع	Social ethics:
موضوع	جامعه پذیری
موضوع	Socialization:
شناسه افزوده	سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، انتشارات مدرسه
رده بندی کنگره	۱۳۹۷ ۵۴۵/۷۴۶۵ HM۶۶۵
رده بندی دیویی	۳۰۳/۳۷۲:
شماره کتابشناسی ملی	۵۳۱۱۲۵۶:

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
وزارت آموزش و پرورش



آسیب‌شناسی تربیت اجتماعی اجتماعی کردن، مانع اجتماعی شدن است! «چگونه اجتماعی نشویم»

گردآوری و تدوین: دکتر عبدالعظیم کریمی

طراح جلد: مهرداد موسوی

صفحه آرا: فرشید پیمان پو

چاپ اول: ۱۳۹۷

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: بلوط

چاپ و صحافی: چاپ خجسته

حق چاپ محفوظ است

ISBN 978-964-08-1517-5

نشانی: تهران، خیابان شهید استاد نجات‌اللهی، نرسیده به خیابان

کریمخان زند، کوچه شهید محمود حقیقت‌طلب، شماره ۸

تلفن: ۸۸۸۰۰۳۲۴-۹ (دورنویس) (فاکس): ۸۸۹۰۳۸۰۹



MadresehPub



MadresehPub



www.MadresehPub.ir

فهرست مطالب

۷	آغازین
۱۲	اشاره
۲۳	مقدمه
۲۹	بخش اول: مبانی اجتماعی یا زندگی عاریه‌ای
۴۱	بخش دوم: مفهوم تربیت اجتماعی
۴۶	پیشینه و تبارشناسی تربیت اجتماعی
۴۹	جنبه اجتماعی تربیت
۵۱	هدف تربیت اجتماعی
۵۷	طبیعت و تربیت (معصومیت و تجربه)
۶۸	جماعت و فردیت
۷۳	ناخودآگاه و فردیت
۷۳	سهم ضمیر ناخودآگاه جمعی در شکل‌گیری شخصیت
۷۵	نقش ذهن عینی در شکل‌دهی شخصیت
۸۰	عادت و فردیت
۹۰	آزادی و فردیت
۹۰	رابطه آزادی فردی و تربیت اجتماعی
۹۶	اندیشه نظم اجتماعی خود انگیخته
۱۰۱	فردیت و تجربت
۱۱۱	بخش سوم: مؤلفه‌های تربیت اجتماعی
۱۱۴	انگیزه جامعه‌پذیری
۱۱۵	نتیجه جامعه‌پذیری

۱۱۶ استحاله هویت فردی در هویت جمعی به روایت هنر سینما

۱۲۳ بخش چهارم: نظریه‌های جامعه‌شناختی درباره تربیت اجتماعی

۱۲۴ ۱. نظریه دورکheim

۱۲۴ ۲. نظریه کولی

۱۲۶ ۳. نظریه جرج مید

۱۲۶ انسان به منزله موجودی زیست‌شناختی

۱۳۱ بخش پنجم: نقش «خود» و عوامل بیرونی در تربیت اجتماعی

۱۳۲ خود واقعی در تربیت اجتماعی

۱۳۹ مدرسه و تربیت اجتماعی

۱۴۲ توسعه خود در تربیت اجتماعی

۱۵۳ پیوند فرهنگ و جامعه

۱۵۹ ضمایم

۱۶۹ گزین‌های واپسین

۱۷۳ منابع

۱۷۴ منابع فارسی

۱۷۷ منابع انگلیسی

۱۷۸ مشخصات مقالات انگلیسی

مقدمه

امروز فرد در توده گم شده است...
اما آدمیان مثل گوسفندان نیستند.
حتی همه گوسفندان هم شبیه هم نیستند.
جان استوارت میل^۱

موضوع تربیت اجتماعی و نفس فرد و جامعه در این فرایند پیچیده، همواره یکی از مباحث عمده و چالش انگیز در روان‌شناسی، علوم تربیتی و علوم اجتماعی بوده است. طرح سؤال دیرینه اما به یک معنا تازه این است که آیا در تربیت، اصالت با فرد است یا جامعه؟ آیا کودک آدمی باید مطابق مقتضیات طبیعی و فطری خویش تربیت شود یا باید تابع انفعالی مقتضیات و هنجارهای اجتماعی و سیاسی جامعه گردد؟

هیچ یک از روان‌شناسان، جامعه‌شناسان و یا صاحب‌نظران تربیتی به طور مطلق سهم طبیعت و اجتماع را به نفع دیگری نفی نمی‌کنند، اما آنچه موجب اختلاف آرا می‌گردد، چگونگی تعامل این دو قطب سیال تربیت، یعنی «طبیعت» و «اجتماع» یا «فطرت» و «فرهنگ» است.

واژه «اجتماعی شدن» یا «اجتماعی کردن» در حوزه روان‌شناسی و

جامعه‌شناسی در قرن اخیر کاربرد فراوانی پیدا کرده است. شاید بتوان گفت یکی از آرمان‌های مهم هر جامعه‌ای این است که نسل جدید را در فرایند «اجتماعی کردن» به‌گونه‌ای تربیت کند که به سادگی و سهولت تابع هنجارها، ارزش‌ها و قواعد و مقررات پذیرفته شود.

در واقع، «اجتماعی کردن» با جامعه‌پذیری، جامعه‌پذیری با هنجار-پذیری، و هنجارپذیری با فرمان‌پذیری هم‌بسته و هم‌خوان است؛ به‌گونه‌ای که میزان موفقیت نظام‌های تعلیم و تربیت، بستگی به میزان موفقیت آنها در «اجتماعی کردن» نسل جدید دارد.

حال آنکه بیم به یک معنا رها کردن و آزاد کردن افراد از قید و بندهایی است که آنها به اسارت ذهنی و زندان اجتماعی و تونل تاریخی می‌کشاند. وظیفهٔ نوپا و جوانان در تعلیم و تربیت نسل جدید نه رام‌سازی و اهلی کردن، که آزادسازی و رها کردن آنهاست؛ به‌گونه‌ای که هر فردی توانایی و شهامت خودبودن و خودمدن را در فرایند پیچیدهٔ جامعه و تاریخ خود داشته باشد و از «هضم شدن» و مسخ شدن شخصیت خویش در این مسیر استحال‌گر در امان بماند؛ چرا که بدین تعبیر متفکر بزرگ، شهید مطهری:

«یکی از مشکلات ناشی از هضم شدن مردم در اجتماع و ساختمان غیرفطری اجتماع امروز این است که دست‌های مؤثر و مسلط بر آموزش و پرورش همواره سعی می‌کند انسان را آن چنان بسازند که خودشان می‌خواهند؛ نه آن چنان که انسان بسان فطرت و تقاضای طبیعت می‌خواهد. یعنی انسان را مسخ و از خود بیگانه می‌کنند.»^۱

۱- شهید مطهری، فطرت از دیدگاه قرآن و فلسفه؛ مجلهٔ رشد معارف؛ ص ۱۱؛ شماره ۱۵؛ پاییز ۷۴.

سؤال اینجاست که آیا این تحریف‌گری از روی قصد و برنامه‌ریزی انجام می‌گیرد و یا ناخواسته و ناهشیار کودک را قربانی شرایط تحمیلی می‌کند؟ آیا اولیا و مربیان جامعه، عملاً خواهان مسخ شخصیت نسل جدید هستند یا به شکل غیر عمدی به این آسیب پنهانی دامن می‌زنند؟ قطعاً هیچ انسانی در مقام مربی‌گری خواهان نابودی و تحریف شخصیت متربی نیست اما آنچه اتفاق می‌افتد این است که همواره اولیا و مربیان سعی دارند فرزندان جامعه را متناسب با ذهنیت‌ها، انتظارات و خواسته‌های خود، بدون توجه به قابلیت‌ها و استعدادهای ویژه آنها تربیت کنند و این فرایند منجر به آسیب‌ها، پنهان تربیت اجتماعی می‌شود. باز هم در اینجا سخنی از شهید مطهری را یاد می‌آوریم که می‌گوید:

«برخی از تربیت‌های امروز مسخ کردن انسان است. از نوع فرمیکا ساختن از چوب، و اخته کردن گوسفند است. یعنی براساس کشیدن برخی رشته‌ها، روحی، براساس شکل تحمیل کردن، قالب ساختن، در قالب ریختن؛ حال آنکه تربیت صحیح اساسش این است که: شکل بدهد و در یک قالب خالص نریزد!»

بر این اساس، هدف «تربیت اجتماعی» در دیدگاه امام راجع، هنجارپذیر کردن کودکان و نوجوانان است و هر قدر فرد به این هنجارها نزدیک‌تر شود و از آن بیشتر تبعیت کند همسانی او نیز با جامعه بیشتر می‌گردد. اما این نوع تربیت با ساختار «شخصیت» - یعنی شاخص بودن - و تعریف فعال و خلاق آن مغایر است؛ زیرا شخصیت آن گونه که «گوردن آلپورت» بیان می‌کند عبارت است از:

«مجموعه صفات و خصوصیات سازمان یافته و بویایی که

هر فرد را از دیگری «تمتایز» می کند^۱

این تمایز معطوف به سازگاری اختصاصی و منحصر به فرد آدمی با اجتماع است. مقصود آلپورت از «سازگاری اختصاصی» این است که هر فردی به «وجهی خاص» برای سازگاری با محیط اقدام می کند. به عبارت دیگر نمی توان دو فرد آدمی را یافت که محیط را به شکل یکسان درک کنند، و در برابر آن به طور مشابه واکنش نشان دهند. درباره تمایز یافتگی و به هم تنایی افراد یعنی اصل فردیت، آلپورت تأکید فراوان دارد و به همین جهت روان شناسی او به «روان شناسی فرد»^۲ مشهور است.

کرش اشتاینر^۳ نیز در اهمیت تمایز یافتگی و هویت مستقل افراد در فرایند تربیت می گوید: «یکی از اهداف مهم تربیت، پرورش «منش» یعنی شخصیت یا ایجاد صفتی است که او را از افراد دیگر «تمتایز» سازد.

در واقع واژه «شخصیت» به یک معنا «شاخص بودن» و «تمتایز شدن» از دیگری و دیگران را می رساند. یعنی کسی که بتواند در فرایند تحول، و در عین تعامل با اجتماع شاکا و گوهر یگانه خویش را متمایز کند، به «واگرایی» و «ناهم گرایی» از دیگران دست یافته است. امروزه این تمایز یافتگی در سیطره سنگین فشارهای اجتماعی در حال فروپاشی است. بنابراین جای این پرسش هم چنان باقی است که در تربیت اجتماعی، هنجار پذیر کردن و سازگار کردن کودک تا به اندازه ای می تواند اصل تمایز یافتگی شخصیت او را حفظ کند و اجتماعی کردن کودک تا چه اندازه «اجتماعی شدن» او را مسخ و تحریف می کند؟

این نوشتار در صدد پاسخ گویی مستقیم به این سؤال ها نیست،

۱- سیاسی، علی اکبر؛ نظریه های شخصیت؛ ص ۱۸۵؛ ۱۳۷۵.

2- Psychology of the Individual

3- G. Kershen Steiner (1932- 1859)

بلکه مراد اصلی، طرح دیدگاه‌های مختلف و ایجاد چالش‌هایی جدید در پیش روی مربیان و پرورشکارانی است که تعلیم و تربیت را نه یک ردیف دستورالعمل‌ها و نسخه‌های از پیش تعیین شده، بلکه فرایندی پیچیده و فعال می‌دانند که بیشترین نقش را شخص مربی به عهده دارد. انگیزه اصلی نگارنده در گردآوری این مجموعه نیز همین است که با ارائه آراء مختلف در تبیین و تفکیک بین «اجتماعی کردن» و «اجتماعی شدن»، مرز باریک و نامرئی این دو مفهوم بیش از پیش شفاف تر و عمیق تر گردد.

آنچه در این مجموعه گردآوری و تدوین شده است شامل گفتارهایی در باب «تربیت اجتماعی»، تأکید بر نقش پنهان و آشکار «عوامل آسیب‌زا» و چگونگی تعامل فرد با جامعه می‌باشد.

در گفتار نخست، زندگی عاریبانی در قلم و تربیت اجتماعی به بحث گذاشته شده است و در گفتار دوم، بهره‌مندی و ابعاد تربیت اجتماعی، و در گفتار سوم و چهارم مؤلفه‌ها و نظریه‌های تربیت اجتماعی با تأکید بر جنبه‌های متمایز «اجتماعی کردن» و «اجتماعی شدن» ارائه شده است. و نهایتاً در گفتار پایانی به نقش «خود» و چگونگی توسعه آن در فرایند شکل‌گیری شخصیت پرداخته شده است.

از آنجا که اغلب مطالب این کتاب را نقل قول‌های صاحب‌نظران برجسته تربیت و دیدگاه‌های مختلف و تا اندازه‌ای متضاد تشکیل داده است ممکن است پراکندگی و نابسامانی در پارهای از بخش‌ها خواننده را از جمع‌بندی سازمان یافته مباحث محروم سازد. اما با مطالعه انواع دیدگاه‌ها و رویکردها دست کم می‌توان تا اندازه‌ای به وجهه افتراق «اجتماعی کردن» و «اجتماعی شدن» در فرایند تربیت اجتماعی پی برد. در خاتمه، از خوانندگان اهل نظر

و صاحب‌نظران نیک اندیش انتظار می‌رود که با ارائه رهنمودهای روشنگر و نقدهای اصلاح‌گرانه خود، این کمترین را در رفع کاستی‌ها و نواقص اجتناب‌ناپذیر این اثر یاری رسانند.

www.ketab.ir